

مؤلفه‌های رهبری امام خمینی(ره) در فرآیند انقلاب اسلامی (با تأکید بر بُعد بنیانگذاری)

ملیحه حاجی‌حسن^۱
زاهد غفاری هاشجین^{۲*}

چکیده

در فرآیند انقلاب، نقش رهبری اعم از رهبر ایدئولوگ، بسیج‌گر، بنیانگذاری به صورت گسترده ظاهر می‌شود و در این میان نقش بنیانگذاری بسیار برجسته است. چرا که بعد از پیروزی انقلاب، ساختن جامعه آرمانی مدنظر از اهمیت خاص برخوردار است. هدف اصلی این مقاله مطالعه رهبری امام خمینی(ره) خصوصاً در نقش بنیانگذاری است. برای نگارش مقاله از روش تحلیل اسنادی و ابزار فیش‌برداری استفاده شده است. نویسندگان با روش تحلیل اسنادی و بررسی متون کتب، مقالات و پایان‌نامه ضمن معرفی نقش امام به عنوان رهبر بنیانگذار، به ارائه چگونگی مدیریت ایشان بعد از پیروزی پرداخته‌اند. در این مقاله از نظریه هافر استفاده شده که برای رهبری در انقلاب، نقش بنیادین در نظر می‌گیرد و رهبران را به سخنور، فرمانده و مردان عمل تقسیم می‌کند. بنابراین امام(ره) ابتدا با تشخیص موقعیت مناسب و بیداری مردم، پرچم رهبری انقلاب را بر دوش گرفتند و با برخورداری از جایگاه دینی و اقتدار سیاسی توانستند به نحو بارز در نقش بنیانگذاری و مدیریت ظاهر شده و ایفای نقش کنند و جامع‌ترین نظام، یعنی جمهوری اسلامی را در عرصه جهانی تشکیل دهند. و توانستند با استفاده از منظومه دینی خود به ترکیب اسلام سیاسی در کاربست نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازند و نظامی نوین و کار آمد در عرصه جهانی معرفی نمایند.

کلیدواژه‌ها: رهبرانقلابی، انقلاب، رهبرایدئولوگ، رهبربسیج‌گر، رهبربنیانگذار.

Email: malihehajhasn@gmail.com

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

Email: z_ghafari@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۲۱

مقدمه

امروزه انقلاب یکی از تحولات بزرگ اجتماعی است که آثار آن در تغییرات جوامع بسیار تأثیرگذار است. انقلاب به معنای حرکت جمعی توده‌ای خشونت‌بار سیاسی است، البته فراقانونی و طولانی که باعث سرنگونی رژیم و دگرگونی سریع و اساسی خاستگاه اجتماعی نخبگان سیاسی حاکم را نیز می‌شود (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۷). در فرآیند انقلاب، نقش رهبری و تعامل تدریجی آن بسیار چشمگیر است؛ لذا رهبران انقلاب در سه چهره‌ی متفاوت رهبری اعم از ایدئولوگ، بسیج‌گر و عملیاتی، بنیانگذار در طول نهضت ظاهر می‌شوند. از این‌رو دانشمندان و محققان به ارائه دیدگاه‌های متفاوت و متضاد درباره‌ی نقش رهبری پرداخته‌اند. ساختارگرایان معتقد هستند که رهبر نقش آن‌چنانی در انقلاب ندارد، روانشناسان برای نقش رهبری ویژگی‌های گسترده‌ای مطرح کرده‌اند و دیگران نیز نقش بینابین برای رهبری بیان نموده‌اند.

اریک هافر از جمله محققانی است که برای رهبری، نقش بینابینی در نظر می‌گیرد. او سه نوع رهبران را از هم تمییز می‌دهد. اول سخنوران و نظریه‌پردازان که کارشان زمینه‌سازی فکری انقلاب است. دوم رهبران تندرو و عملیاتی که عملاً جنبش انقلابی را به راه انداخته و هدایت می‌کنند. سوم مردان عمل هستند که انقلاب را به تعادل می‌رسانند (هافر، ۱۳۷۲: ۲۲۱). به تعبیری، در صورت نبود عنصر رهبری انقلابی شکل نمی‌گیرد و به سرمنزل مقصود نمی‌رسد. در این میان نقش بنیانگذاری و مدیر در فرآیند انقلاب بسیار برجسته است چرا که بعد از پیروزی، قدرت در دست نیروهای انقلابی قرار می‌گیرد و آنان بر اساس اهداف خود، عمل کرده و در نتیجه جامعه انقلابی دچار تزلزل قرار می‌گیرد و در نبود رهبر مقتدر، انقلاب از مسیر خود منحرف گشته و اهداف انقلاب به ثمر نمی‌رسد. لذا وجود رهبر بنیانگذار برای تشکیل نظام جدید و تثبیت آن بسیار حائز اهمیت است. و نقش رهبری بعد از پیروزی برای ساختن جامعه آرمانی مدنظر ایدئولوژی انقلابی از اهمیت خاصی برخوردار است.

در انقلاب اسلامی نیز امام خمینی(ره) در هر سه نقش نظریه‌پردازی، فرماندهی و بنیانگذاری به نحو بارزی ظاهر شده و ایفای نقش کردند (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴۲). با توجه به نقش جامع امام(ره) در مراحل مختلف انقلاب بخصوص ایفای نقش بی‌بدیل ایشان در نقش بنیانگذاری، مطالعه علمی و عمیق این موضوع دارای اهمیت و ضرورت است. امام(ره) در ابتدا به‌عنوان رهبر قیام پرچم انقلاب را بر دوش کشیدند ولی بعد از پیروزی با اقتدار کامل بر اساس نظریه حکومتی خود، ساختارهای جدید جامعه انقلابی ایران را با مدیریت سیاسی خود بنا کرده و زمینه‌های تداوم انقلاب اسلامی را فراهم نمودند. در این راستا، تحقیقات متعددی در زمینه نقش رهبری به‌صورت رهبر ایدئولوگ و بسیج‌گر انجام شده است چنانچه کشاورز شکری و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ی خود به ماهیت رهبری امام(ره) در نظریه شهید مطهری بررسی کرده است و یا اینکه التیام‌خو (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود به مقایسه رهبری سه انقلاب روسیه، چین و ایران پرداخته است. همچنین شیخی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود مدل انقلاب را در اندیشه امام(ره) بررسی کرده است ولی این تحقیق به تمام ابعاد نقش رهبری با تأکید بر بنیانگذاری ایشان در زمان بعد از

پیروزی تا رحلت امام(ره) پرداخته است. با توجه به نکات مذکور، این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که چگونه امام خمینی(ره) توانست در نقش رهبر انقلاب با تأکید بر بنیانگذاری در فرآیند انقلاب اسلامی، ایفای نقش کند؟ پژوهش حاضر به روش تحقیق کیفی است که از نوع تحلیل اسنادی استفاده کرد و ابزار گردآوری نیز به صورت فیش‌برداری از کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها است. بنابراین امام خمینی(ره) ابتدا با تشخیص موقعیت مناسب و بیداری مردم، پرچم رهبری را بر دوش گرفتند و با برخورداری از جایگاه دینی و با اقتدار سیاسی توانستند به نحو بارز و در نقش بنیانگذار و مدیریت انقلاب ظاهر شده و ایفای نقش کند و نظام جمهوری اسلامی ایران را با نهادهای جدید در عرصه جهانی تشکیل دهد.

الف- مفاهیم و مبانی نظری

بررسی مفاهیم

انقلاب: «انقلاب یک حرکت جمعی توده‌ای فراقانونی است که به سرنگونی رژیم و دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی نخبگان سیاسی حاکم منجر می‌شود» (پناهی، ۱۳۹۲:۳۷). انقلاب به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مقطعی دارای ویژگی‌هایی است که در شرایط خاص، در یک جامعه واقع می‌شود.

رهبران انقلاب: رهبران انقلاب کسانی هستند که در فرآیند انقلاب در سه نقش ایدئولوگ، بسیج‌گر، بنیانگذار ایفای نقش می‌کنند و در رأس جنبش انقلابی قرار می‌گیرند (محمدی، ۱۳۸۷:۴۵).

رهبر ایدئولوگ: «کسی است که با ارائه ایدئولوژی انقلاب، نه تنها ارزش‌های حاکم موجود را نفی و طرد می‌کند و ارزش‌ها و نظام کمال مطلوب را ارائه می‌نماید، بلکه نحوه‌ی سرنگونی نظام موجود و رسیدن به کمال مطلوب را نیز بیان می‌کند» (محمدی، ۱۳۷۴:۱۷۲). از این‌رو رهبر ایدئولوگ با فعال‌سازی نارضایتی‌ها و ایجاد انگیزه حرکت می‌تواند زمینه‌های براندازی نظام را محقق سازد.

رهبر بسیج‌گر: هافر ویژگی‌های رهبر عملیاتی را این‌گونه معرفی می‌کند «اراده‌ی آهنین، شهامت و بینش رهبری استثنائی لازم است تا گرایش و فشارهای موجود را در راه یک انگیزه حجمی و در یک جنبش انبوه مردم هماهنگ و تجهیز کند» (هافر، ۱۳۷۲:۱۹۲). می‌توان گفت رهبر بسیج‌گر کسی است که «به‌عنوان فرمانده و بسیج‌کننده‌ی نیروهای انقلابی که عملاً رهبری مبارزه با نظام سیاسی حاکم را به عهده گرفته و راهبردهای لازم را طراحی کرده و به مرحله اجرا در می‌آورد و تا زمانی که نظام حاکم ساقط نشود، از مبارزه دست برنمی‌دارد» (محمدی، ۱۳۷۴:۱۷۲).

رهبر بنیانگذار: «کسی است که در حقیقت سازنده‌ی جامعه و نظام بعد از پیروزی است و در دو جهت کار می‌کند. اول آنکه رقبای خود را از صحنه بیرون می‌راند و دوم جامعه و نظام مورد نظر را پیاده می‌کند» (محمدی، ۱۳۷۴:۱۷۳). با سرنگونی حاکم، هنوز نمی‌توان گفت که جنبش انقلابی به پایان رسیده است بلکه دوره‌ی جدید و حساسی از انقلاب شروع شده است که ویژگی‌های خاص خود را دارد.

«رهبر مدیر در دوران پس از پیروزی انقلاب، مدیریت جامعه پسانقلابی را عهده‌دار می‌شود... رهبر مدیر به وظایف خود در قالب بنیان‌گذاری نظام، مدیریت بحران به‌وجود آمده در دوره پس از انقلاب و نیز به مدیریت نظام و پیشبرد اهداف آن می‌پردازد» (التیام‌خو، ۱۳۹۲: ۲۲).

مبانی و دیدگاه‌های نظری

درباره فرآیند بسیج انقلابی دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است، از منظری این دیدگاه‌ها به سه دیدگاه ساختارگرایی، دیدگاه روان‌شناختی و دیدگاه بینابینی قابل تقسیم‌بندی است:

دیدگاه ساختارگرایی

این دیدگاه شامل نظریات مارکسیستی و کارکردگرایی است که نقش مهمی برای رهبر در جنبش انقلابی قائل نیستند و نقش آن را تابع ساختارها می‌دانند. در نظریات مارکسیستی، انقلاب وسیله‌ی تحول از یک شیوه تولید به شیوه‌ی تولید بعدی است. اما در دیدگاه کارکردگرایی نقش رهبری تابع ساختار جامعه است، بر این اساس ابتدا ساختار جامعه دچار تنش می‌شود سپس برای ظهور رهبرانی آماده می‌شود. «به عبارت دیگر، اگر مشکلات ساختاری در جامعه وجود داشته باشد، برای چاره‌جویی آن رهبران مورد نیاز ظهور خواهند کرد» (پناهی، ۱۳۹۲: ۳۷۷).

دیدگاه روان‌شناختی

در این دسته، رهبران نقش اساسی در فرآیند انقلاب داشته و نخبگان نقش تعیین‌کننده در جریان انقلاب و بسیج توده‌ای دارند. آنان معتقدند رویدادهای جامعه همچون انقلاب به تصمیمات و اقدامات و احساسات آنها بستگی دارد. در واقع تعدادی از اندیشمندان اجتماعی نخبه‌گرا هستند و نقش اساسی را در فرآیندهای دگرگونی اجتماعی از قبیل انقلاب، به نخبگان و روابط بین آنان نسبت می‌دهند (پناهی، ۱۳۹۲: ۳۷۹).

پارتو و موسکا همه رویدادهای مهم جامعه از قبیل انقلاب و وضعیت آن را به تصمیم و عملکرد و ترکیب نخبگان نسبت می‌دهند. برای مثال پارتو درباره‌ی نقش رهبری در انقلاب می‌نویسد: «انقلاب‌ها بدین واسطه رخ می‌دهند که در قشرهای بالای جامعه، خواه به دلیل آهسته شدن گردش طبقاتی یا بر اثر عواملی دیگر، تعداد عناصر فاسدی که دیگر دارای بقایای مناسب برای حکمرانی نیستند یا از به‌کار بردن زور امتناع دارند، رو به فزونی می‌گذارند و در همان حال در قشرهای پایین‌تر جامعه، عناصری با کیفیت که دارای بقایای مناسب برای انجام وظایف حکومت و تمایل کافی برای کاربرد زور هستند، رو می‌آیند» (باتامور، ۱۳۷۷: ۶۴).

دیدگاه بینابینی

عده‌ای معتقد هستند «آن‌گاه که زمینه آمده شد، حضور یک رهبر برجسته ضروری است زیرا بدون او جنبش در کار نخواهد بود» (پناهی، ۱۳۹۲: ۲۸۲). یکی از کسانی که در دسته سوم، اریک هافر است. او درباره رهبر چنین می‌گوید «رهبر مظهر قاطعیت یک آیین و شکوه قدرت است. رهبر خشم انباشته در روح و جان ناامیدان را بیان و توجیه می‌کند» (هافر، ۱۳۷۲: ۱۲۳). هافر سه نوع رهبران انقلابی را از هم

تمییز می‌دهد: دسته اول سخنوران و نظریه پردازان، که کارشان زمینه‌سازی فکری انقلاب و گسترده کردن نارضایتی و همچنین سیاسی کردن نارضایتی و کاستن از مشروعیت نظام حاکم و نشان دادن جامعه آرمانی است. او نقش سخنوران را این طور مطرح می‌کند که به‌طور نامحسوس نهادهای مستقر را تضعیف، قدرتمندان را بی‌اعتبار، باورها و وابستگی‌های موجود را کم اثر و زمینه را برای ظهور یک جنبش مهیا می‌کند.

دومین نوع رهبران از نظر هافر، رهبرانی هستند که عملاً جنبش را به راه می‌اندازند و نظام حاکم را سرنگون و نظام جدید را ایجاد می‌کنند. این رهبران مانند فرماندهان به صف‌بندی‌ها دامن می‌زنند و بین دوست و دشمن خط‌کشی می‌کنند و دشمنان داخلی و خارجی را مطرح و برجسته می‌نمایند و به تعارضات دامن می‌زنند. این چنین رهبران عرصه‌ی باورسازی را برای تحقق از خود گذشتگی و عمل متحد کاملاً ضروری می‌داند. آنان شور پیوند و حس رهایی از یک وجود فردی ناچیز را برمی‌انگیزند. البته افراد برخوردار از زندگی بی‌ثمره و ناامن، سرسپردن به آستان یک رهبر عالی‌مقام که قدرت فرماندهی دارد رهیافتی بر آرمان برابرخواهی و عدالت آنان است، را اطاعت می‌کنند.

نوع سوم رهبران، مردان عمل هستند که ظهور آنان معمولاً حاکی از پایان مرحله پویایی جنبش است. جنگ اکنون پایان یافته است و مردان واقعی عمل، تصمیم دارند که تصرف کننده انقلاب شوند. دغدغه‌های عمده یک مرد عمل به‌عنوان بنیانگذار انقلاب در آن است آنگاه که جنبش به جایی رسید آن را تثبیت کنند و همچنین وحدت آن را حفظ کنند و آمادگی برای از خودگذشتگی و ایثار را در توده‌های مردم پرورش دهند. مرد عمل یا رهبر بنیانگذار انقلاب با روش‌هایی که اختیار را به دست می‌گیرد و با قدرت مخالفت‌ها را سرکوب می‌کنند و انقلاب را به تعادل می‌رساند (هافر، ۱۳۷۲: ۱۴۳-۱۲۰).

ابعاد رهبری سه‌گانه امام(ره)

نقش رهبران در انقلاب‌ها متفاوت است ولی در کل فرآیند انقلاب وجود رهبری توانمند و آگاه به شرایط جامعه داخلی و جهانی بسیار حائز اهمیت است. در جریان انقلاب‌ها ممکن است رهبران مختلفی عهده‌دار نقش‌های مجزا باشند و هر کدام در مرحله‌ای ظهور کنند و یا اینکه با توجه به توانایی و ابعاد شخصیتی افراد، این سه نقش رهبری در یک شخص متجلی شود. در انقلاب اسلامی، امام(ره) با توجه به ابعاد جامع شخصیتی و توانایی بالا در هر سه نقش رهبری نظریه‌پردازی، فرماندهی، بنیانگذاری ایفای نقش کردند (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

نقش نظریه‌پردازی امام(ره) در انقلاب اسلامی

هافر معتقد است که معمولاً ابتدا هسته اصلی ایدئولوژی به‌وسیله یک رهبر فرهمند مطرح می‌شود. سپس به تدریج که جنبش توسعه می‌یابد و ضرورت دارد که تبیین کامل‌تری از نابسامانی‌های وضع موجود، وضعیت آرمانی و چگونگی از وضع موجود به جامعه آرمانی مطرح شود، ایدئولوژی انقلابی هم توسعه می‌یابد تا بتواند کارکردهای خود را به‌خوبی انجام دهد. امام(ره) با اعتقاد به جامعیت قوانین اسلامی پایه

نظریه انقلاب و تشکیل حکومت را پی‌ریزی کرد. به گفته ایشان «مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دخالت و نظارت دارد» (امام، ۱۳۷۹، ج ۴۰۲:۲۱). در حقیقت، ایشان در نظریه ولایت فقیه خویش معتقد به لزوم تأسیس نظام سیاسی در دوران غیبت بود و با ارائه دلائل عقلی و نقلی اثبات کرد اولاً اصل وجود حکومت برای جوامع بشری ضروری است، ثانیاً در هر زمانی جامعه نیاز به حکومتی مطلوب دارد که برای استقرار آن باید تلاش کرد.

در ایدئولوژی امام(ره) عنصر انتقاد به مظاهر بی‌نظمی در اولین آثار ایشان یافت می‌شود که به صراحت به مسائل روز جامعه انتقاد می‌کنند و علت این بحران در جامعه ایران را کنار گذاشتن اسلام از زندگی روزمره می‌داند و در نامه‌ای که در سال ۱۳۵۶ خطاب به شاه می‌گوید: «تمام مصیبت‌های ما این است که در حکومت تو مذهب و اسلام نقشی ندارد. سرچشمه تمام مفاسد همین است» (امام، ۱۳۷۹، ج ۳:۲۹۲).

نقش بسیج‌گری امام(ره) در انقلاب اسلامی

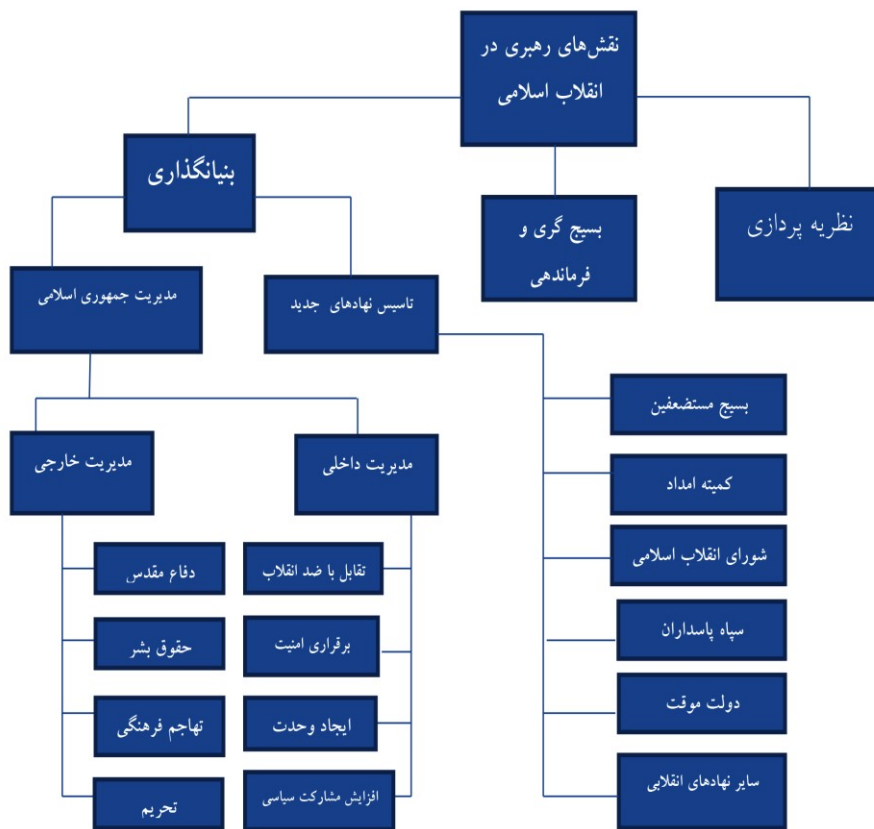
رهبر، اگر مورد اعتماد مردم نباشد نمی‌تواند بین انقلابیون وحدت و هماهنگی لازم ایجاد کند و در بسیج فراگیر و وسیع مردمی موفق شود و نیروی عظیمی برای مقابله با رژیم حاکم به‌وجود آورد. لزوماً این رهبر به صفت‌بندی‌ها دامن زده و بین دوست و دشمن خط‌کشی کرده و دشمنان داخلی و خارجی را مطرح و برجسته می‌نماید و به تعارضات دامن می‌زند. امام(ره) در طول قیام مردم بر علیه رژیم شاه با مطرح کردن آرمان‌های انقلاب آنان را برای فداکاری و جانفشانی برای تحقق آن آرمان‌ها آماده می‌کردند. ایشان به وسیله پیام‌های سخنرانی خود ابتدا مردم را آگاه می‌کردند و با بسیج توده‌ای مردم به انواع فعالیت‌های جمعی مانند تظاهرات و راهپیمائی، تشویق می‌نمودند. لذا ایشان با استفاده از ایدئولوژی مکتب اسلامی، احساسات توده‌ها را تحریک و آنان را نسبت به موضوعات، حساس و بسیج کردند (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

بنیانگذاری مهم‌ترین نقش امام(ره) در فرآیند انقلاب اسلامی

«از نظر هافر رهبر یا همان مرد عمل به‌عنوان مدیر یک انقلاب که هم وظیفه اداره‌ی انقلاب و نهادینه کردن آن و کنترل وضعیت انقلابی را برعهده دارد و هم میانی قدرت انقلابی را تحکیم می‌کنند و با قدرت مخالفت‌ها و بحران‌ها را سرکوب می‌کنند و انقلاب را به تعادل می‌رسانند و در نتیجه حکومت متمرکز تشکیل می‌دهد. در انقلاب اسلامی ایران نیز امام(ره) هم آرمان‌ها و خط‌مشی انقلاب را نهادینه و جمهوریت و اسلامیت را مطابق خواست مردم در تمام ارکان و اجزاء جامعه محقق کرد و هم با مهار مخالفت‌ها و تهدیدها، زمینه‌ی تشکیل و تداوم نظام اسلامی را فراهم کردند» (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

امام(ره) با توجه به نظریه ولایت فقیه خویش ابتدا به تشکیل دولت پرداختند و با بسیج اقشار مردم در تأسیس نهادها و تحکیم بنیادهای اساس حکومت اسلامی گام‌های بلند را پی‌ریزی کردند. امام(ره) حکومت نوپای نظام جمهوری اسلامی را از بحران‌ها داخلی و خارجی به‌صورت حفظ تمامیت ارضی، نفی

هرگونه وابستگی به بیگانگان یا خودباختگی، دست‌نشاندهی، محافظت نمودن. بعد از پیروزی انقلاب با آنکه تبلیغ از سوی دشمنان داخلی و خارجی بسیار وسیع بود و گروه‌های مختلف با ایدئولوژی‌های غربی و شرقی به میدان آمده بودند ولی امام، با توجه به فرهنگ غنی اسلامی، یکی از هدف‌های دولت اسلامی را دعوت جهانیان به ارزش‌های اسلامی دانستند و می‌فرمود: «ما می‌خواهیم معنویات انقلاب اسلامی‌مان را به جهان صادر کنیم» (امام، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۸۵). در حقیقت اندیشه‌های امام که برگرفته از پاک‌ترین ارزش‌ها بوده توانست او را از بزرگ‌ترین بنیانگذاران حکومت اسلامی در جهان قرار دهد. «امام به‌عنوان زمامدار حکومت اسلامی از این جهت رهبر، معمار بنای جامعه بعد از انقلاب است، لذا باید تمامی بقایا و آثار ضد ارزش و ضد مردمی قدرت سیاسی قبلی را نابود ساخته و سپس بر خرابه‌های آن بنای مستحکم از ارزش‌ها را در تمام ابعادی که جامعه انسانی بدان نیازمند است برپا کند» (شیخی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).



شکل ۱: مدل مفهومی نقش رهبری امام خمینی(ره) در بُعد بنیانگذاری

ب- امام خمینی(ره) و بنیانگذاری نهادهای نظام جدید

امام(ره) و تأسیس نهادهای جدید

بعد از پیروزی انقلاب، ساخت یک حکومت احتیاج به نهادها و کارگزاران شایسته دارد. در اندیشه سیاسی امام(ره)، مشارکت مردم به‌عنوان تعیین‌کننده سرنوشت حکومت با توجه به بنیادهای اسلامی بسیار مورد تأکید بود. ایشان ضرورت ورود مردم به صحنه سیاست و تصمیم‌گیرهای نظام اسلامی در قالب نهادهای حکومتی بسیار حساس می‌شمردند و بزرگ‌ترین عامل پایداری و ثبات یک نظام را وجود نهادهای مردمی - اسلامی می‌دانستند: «هیچ‌گاه نظامی اعم از انقلابی و غیرانقلابی بدون داشتن نهادهایی که بتوانند کارکردهای آن را به انجام برسانند، قادر به ادامه حیات نیست. جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. به تعبیری نظام جمهوری اسلامی خود یک نهاد یا سیستم کل است و بنیانگذار آن امام خمینی(ره) است» (التیام‌خو، ۱۳۹۲: ۴۹).

تأسیس بسیج مستضعفین

نظام نوپای اسلامی در شرایطی در ایران شکل گرفت که مبانی نظام سابق از هم فروپاشیده بود و غفلت باعث از بین رفتن مملکت می‌شد. امام(ره) در دفاع از مملکت، دستور به تشکیل نهادهای دفاعی را دادند و برای این سازمان وظایفی را برشمردند. ایشان فرمان تأسیس بسیج را در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۴ طی سخنرانی خود اعلام نمودند «ما باید همه‌ی قوایمان را مجتمع کنیم و برای نجات دادن یک کشور. باید اگر مسائلی برایمان پیش بیاید، هرچه هم سخت باشد تحمل کنیم» (امام، ۱۳۸۵: ۷۲). از مهم‌ترین اهدافی که امام(ره) برای ضرورت تشکیل بسیج می‌شمردند جلوگیری از سقوط در دام ابرقدرت‌های جهانی بود. «واجب است پیشکسوتان جهاد و شهادت در همه‌ی صحنه‌ها حاضر و آماده باشند و از کید و مکر جهانخوران و آمریکا و شوروی غافل نمانند. بار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت» (امام، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۹).

ایشان بسیج را شجره طیبه و پرثمر می‌دانستند و همچنین بسیج را به‌عنوان مدرسه عشق و مکتب شهادت مطرح می‌نمودند. به تعبیر دیگر بسیج میقات پابرهنگان و لشکر مخلص خداست که همه مجاهدان از اولین تا آخرین آن را امضا نموده‌اند. (امام، ۱۳۸۵: ۱۷۸) این تعاریف نشانه آن است که این نهاد با ایثار در تمام زمینه‌ها و همچنین با شهادت‌طلبی، انقلاب ایران را با تمام توان بیمه کرده است و توانسته عشق خود را به ذات مقدس حق و اسلام ارائه دهد. امام(ره) این نهاد را برای جهانیان یک الگو و توصیه می‌کنند که باید در فکر ایجاد یک حکومت جهانی اسلامی باشد. «باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به‌وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد... با مدیریت صحیح و خوب می‌توان اسلام را فاتح جهان نمود» (امام، ۱۳۸۳: ۳۹).

چنانچه هیرو می‌نویسد: «پس از تسخیر سفارت آمریکا، - امام - خمینی فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی را صادر کرد، پس از این فرمان، مدارس، مساجد و دانشگاه‌ها به محل آموزشی نظامی مبدل شدند، ... بسیجیان جوان اغلب به‌عنوان خط‌شکن و مقدمه حملات ایران بر ضد عراق حضور می‌یافتند یا به کارهای خطرناک‌تری چون پاکسازی میادین مین می‌پرداختند. این نوجوانان در چنین محیطی انقلابی و پر هیاهو رشد می‌کردند و بیش از افراد بزرگ‌تر در منطقه جنگی فداکاری می‌کردند» (هیرو، ۱۳۸۶: ۳۵۹).

تأسیس کمیته امداد امام خمینی(ره)

در اندیشه سیاسی - اجتماعی امام(ره)، دولت اسلامی برای تأمین نیازمندی‌ها و ارائه خدمات اجتماعی، نیازمند نهادهایی است که از طریق آن بتواند عدالت اجتماعی را در جامعه اجرایی کند. چرا که نهضت حاصل تلاش همین قشر محرومان بوده است «این نهضت و این پیشروی و این پیروزی، مرهون طبقه‌ی جوان محروم است، آنها این مسأله را پیش بردند» (امام، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۹۳). معمار انقلاب اولین تشکل رسمی خدماتی را به نام کمیته امداد در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۴ یعنی در همان روزهای اول بعد از پیروزی صادر نمود. ایشان وظایف ویژه‌ای برای کارگزاران و مسئولین این سازمان بیان نمود و هدف اصلی تأسیس این نهاد را یاری مستضعفان و محرومان جامعه ترسیم کردند. ایشان در سخنرانی‌های خود نوع خدمات کمیته امداد را این‌گونه مشخص نمودند:

- امداد به‌خاطر خسارت‌های چشمگیر که به نیازمندان وارد شده است. «جراحات بر آنها وارد شده است. صدمات بر آنها وارد شده است. اعضایشان نقص شده است» (امام، ۱۳۸۵: ۱۱۸).
- مرمت زندگی مستمندان از طریق کمک‌های مالی. «این‌ها یک خرابی‌هایی بوده است که از رژیم سابق بوده است و محتاج به مرمت است» (امام، ۱۳۸۵: ۱۱۸).
- جبران خسارت معنوی «محرومان خیال نکنند که آنها از باب این‌که در صف پایین جامعه واقع شده‌اند مورد امداد واقع شده‌اند، آنها در صف مقدم جامعه‌اند» (امام، ۱۳۸۵: ۱۱۹).
- خدمت به روستاهای دورافتاده و فاقد امکانات رفاهی. «این‌ها مظلوم بودند، ... لکن همتان در این باشد که به آنها بیشتر برسید و به آنها بیشتر خدمت کنید» (امام، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۴۲۸).

تأسیس شورای انقلاب اسلامی

شورای انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های برجسته‌ی سازماندهی رهبری انقلاب بود و اداره‌ی چنین نهادی در زمان حساس بعد از پیروزی، نشانه‌ای از شخصیت والای امام بود که با استفاده از تجربه و احکام مدنی اسلامی، کشور را در میان امواج مختلف طوفان‌ها به ساحل نجات رساند. لذا امام در نقش بنیانگذاری، فرمان تأسیس شورای انقلاب اسلامی را در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۲ تحت حکمی صادر کردند و این در حالی بود که هنوز دولت بختیار به‌صورت کامل از قدرت کناره‌گیری نکرده بود. شورای انقلاب اسلامی از نظر استراتژی، سرعت عمل بالایی داشت و این امر باعث شده بود که امام در مواقع بحرانی

مشکل و کارها را به این شورا بسپارد و به تمام سازمان‌ها دستور همکاری همه‌جانبه با این شورا را داده بودند.

«من از شما (ملت) می‌خواهم که تا انعقاد مجلس شورای اسلامی که شورای انقلاب به منزله‌ی آن است، از شورای انقلاب اسلامی و از افراد آن شورا که خدمتگزار به اسلام و ملت و مورد تأیید اینجانب هستند پشتیبانی نمایید. من از شورای انقلاب می‌خواهم که به خدمت صادقانه با آنان همکاری نمایند و چون برادران باوفا از هم پشتیبانی کنند» (امام، ۱۳۸۵:۱۵).

تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بررسی تاریخ انقلاب ایران نشان می‌دهد که اتحاد اولیه همه‌ی گروه‌ها در طول مبارزات قیام مردمی انقلاب، دوام نیاورد و دیدگاه‌های سیاسی گوناگون از مهم‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد بود. شاخه‌ی اسلامی چپ‌گرا، نیروهای غیرمذهبی جبهه‌ی ملی، روحانیون دموکرات کردستان، جماعت مردم ترکمن، حزب اتحاد اسلامی در سیستان و بلوچستان، تشکیلات قبیله‌ای اعراب، همه از گروه‌هایی بودند که سودای خودمختاری سیاسی، ایجاد یک دموکراسی اجتماعی را در ایران در سر می‌پروراندند. این وضعیت در شرایطی بود که نظام جمهوری اسلامی تازه تأسیس شده بر اساس شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، برای اداره کشور با مشکلات زیادی مواجه بود (هیرو، ۱۳۸۶:۱۵۷-۱۵۸).

سپاه پاسداران زمانی تولد یافت که پیروزی انقلاب با انواع توطئه‌های داخلی - خارجی روبرو بود. در ابتدای پیروزی، هسته‌های امنیتی - نظامی برای حفظ دستاوردهای انقلاب تشکیل شد و زمینه مناسب برای موجودیت این نهاد را فراهم کرد و با رهبری امام(ره) در روزهای پایانی ۱۳۵۷ این نهاد مقدس تأسیس شد. این نهاد خودجوش مردمی، سپر حوادث کشور شد و با فعالیت چشمگیر خود در زمینه‌های انتظامی - امنیتی توانست اعتماد مردم و رهبری را جلب نماید چنانچه امام در یک جمله معروف خود فرمودند «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود» (امام، ۱۳۷۹، ج ۳:۱۴۰۹). امام ضرورت این نهاد خودجوش مردمی را این‌گونه بیان می‌دارند: «در یک همچو زمانی که احتیاج دارد اسلام به اینکه پاسدار داشته باشد و آنهایی که برخلاف جمهوری اسلامی هستند در توطئه هستند، مشغولند آنها به عمل در سرحدات‌ها، در خود شهرهای ما مشغول به توطئه هستند در یک همچو موقعی احتیاج به پاسدارها هست» (امام، ۱۳۸۳: ۴). نقش سپاه پاسداران در پیروزی انقلاب، برقراری امنیت و دفاع بود. در این راستا امام (ره) به مناسبت‌های مختلف از سپاه پاسداران در حفظ انقلاب، امنیت و پیروزی آن تشکر می‌کردند و خدمت این عزیزان را خدمت به اسلام و خدمت به امام زمان معرفی می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۶۲). البته سپاه پاسداران به‌عنوان بی‌نظیرترین نیروهای نظامی در جهان دارای ویژگی‌هایی همچون تعهد به اسلام و نظام، شهادت‌طلبی، رشادت، نوآوری و در یک کلام شیران روز و عابدان شب بودند که این امر پیوسته مورد توجه امام(ره) بود (امام، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۱).

دولت موقت و رهبری امام(ره)

امام قصد داشت حکومت را در قالب جمهوری اسلامی در ایران پایه‌گذاری و نمی‌خواست در جهت کشورهای سوسیالیست و لیبرال... شکل بگیرد. در این راستا ایشان به بازرگان تأکید نمود که بدون در نظر گرفتن روابط گروهی و حزبی، دولت موقت را تشکیل داده و زمینه را برای اداره‌ی امور مملکت و نیز انجام رفراندوم را به منظور تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان و همچنین انتخاب مجلس و نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی فراهم نماید. امام(ره) خود شرایط اعضای دولت موقت را مشخص کرده و از شخص بازرگان درخواست نمود که اعضا را سریعاً معرفی نماید. (امام، ۱۳۷۹، ج ۵۴:۶).

سؤالی که در زمان بحران بعد از پیروزی انقلاب، ذهن توده مردم و خصوصاً مسئولان نظام را به خود جلب کرد این بود که چرا مهدی بازرگان که مورد تأیید امام(ره) بود بعد از مدتی استعفا داده و قدرت را رها کرده است؟! در اینجا هر گروه بر اساس مکتب خود نظراتی را مطرح و برای پاسخ به این سؤال دلایلی بیان کرده‌اند، از جمله شهید بهشتی علت اختلاف بازرگان با نیروهای سیاسی - انقلابی را این‌طور بیان می‌کند «ما معتقد بودیم داخل مملکت باید خارج از فرم بوروکراتیک پیش برود» (بنیاد شهید بهشتی، ۱۳۷۸:۱۰۳۸). در حالی که بازرگان خود را مقابل کمیته‌های انقلابی قرار داد (بازرگان، ۱۳۶۳:۱۲۲). و همین امر باعث شد تخم تفرقه و جدایی بین ارکان دولتی پاشیده شود. در نتیجه بر اساس جدایی بین افکار بازرگان و نظام جمهوری اسلامی ایشان بعد از قضیه گروگان‌های آمریکا و در شرایط سخت حاکم بر کشور دست به استعفا زد. امام خمینی(ره) نیز با استعفا‌ی ایشان موافقت نمود و مسئولیت را بر عهده‌ی شورای انقلاب اسلامی گذاشت و به‌طور رسمی دولت موقت از بین رفت. «مهم‌ترین و پر سروصداترین مورد اختلاف میان لیبرال‌های حاکم و انقلابیون و در رأس آنها رهبری انقلاب مسئله اهداف و شیوه‌های سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی بود که به سرنگونی دولت موقت انجامید» (محمدی، ۱۳۸۳:۲۵).

تأسیس سایر نهادهای انقلابی - جهادی

جهاد سازندگی

امام(ره) دوره‌ی طاغوت پهلوی را این‌گونه ترسیم می‌کند: «لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست پشت آن دیوار خرابی‌های زیاد هست و ما باید به همت ملت آن خراب‌ها را ترمیم کنیم» (امام، ۱۳۷۹، ج ۸: ۱۷۹). آری با صاعقه انقلاب به رهبری امام(ره) دوره‌ی فرمانروایی ظالمان در ایران پایان یافت و دوره‌ی سازندگی آغاز شد. با صدور فرمان امام(ره) در ۱۳۵۸/۳/۲۶ یعنی فقط کمتر از پنج ماه از پیروزی انقلاب گذشته بود، مردم ایران متشکل از اقشار مختلف، اعم از دانشگاهی، کشاورزان، نظامیان، روحانیون، ... آمادگی خود را برای شرکت در این نهاد اعلام کردند. محوریت‌زدایی از مناطق روستایی و محروم، ساختن خرابی‌های جامعه اسلامی، نشان دادن الگویی از جامعه اسلامی سالم از هدف‌های تشکیل جهاد سازندگی بود. لذا امام از همان ابتدا، شهید بهشتی را برای نظارت مستمر بر فعالیت‌های این نهاد تعیین

نمودند و رابطه‌ی تنگاتنگ با جهادگرانه مخلص خدا برقرار نمودند. رهنمودهای امام باعث شد جهاد سازندگی علاوه بر وظیفه‌ی اولیه‌اش، در مواقع ضروری نیز مانند بلایای طبیعی، جنگ و ... حضور مستمر و قدرتمند در دفاع از آرمان‌های انقلاب داشته باشند (امام، ۱۳۷۸: ۶). نیروی انسانی سازمان توانست فعالیت و خدمات گسترده‌ای در عرصه‌هایی مانند ساخت پل‌ها، جاده‌ها، مدارس، درمانگاه داشته باشند. همچنین در توسعه امکانات شهری، افزایش تولیدات، اعطای وام به کشاورزان خرده مالک، نقش چشمگیری انجام دهند. هنگام اجرای برنامه‌های بحرانی و سازندگی توانست نیروهای دانشجو، دانش‌آموزان را در ایام تعطیلات به یاری توده مردم در روستاها بسیج نماید (هیرو، ۱۳۸۶: ۳۶۳).

دادگاه انقلاب اسلامی

در دستگاه قضایی رژیم گذشته، موازین شرعی و احکام قضایی اسلامی اجرا نمی‌شد و کارگزاران آن نیز طبق نظر قانون‌های بیگانه رأی صادر می‌کردند. بعد از پیروزی با وجود متهمین زندانی و افراد ضد انقلاب آشوب‌گر و منافقین، تأسیس نهادی برای رسیدگی به مسائل قضایی که بر اساس اسلام و موازین آن بسیار حساس به نظر می‌رسید. از آن‌جا که یکی از وظایف ولی‌فقیه نصب قاضی است، لذا ایشان با هوشیاری و علم اجتهاد خویش توانست این نهاد را تشکیل دهد و به‌صورت رسمی اداره‌ی این نهاد را به عهده بگیرد. ایشان با نظر به قوانین مجازات اسلامی و عفو الهی به مناسبت‌هایی، زندانیان را مورد عفو قرار می‌دادند و از دادگاه انقلاب اسلامی می‌خواستند فوراً آنان را آزاد نماید.

«کلیه متهمین که در رژیم سابق مرتکب تقصیراتی شده‌اند به استثنای اشخاصی که ذیلاً ذکر خواهد شد مورد عفو قرار گرفته، لازم است که دستور دهید تمام دادگاه‌های انقلاب اسلامی سرتاسر کشور در اسرع وقت به پرونده‌ی متهمین رسیدگی نموده و بخشوده‌شوندگان را فوراً آزاد نمایند» (امام، ۱۳۸۵: ۳۳).

تجزیرات حکومتی یکی از راه‌های جلوگیری از تخلف است. با وجود مشکلات اقتصادی بعد از پیروزی در جامعه، احتکار و گران‌فروشی، اختلال در امر اقتصاد به‌وجود آورده بود، لذا در این راستا دستور تشکیل سازمان تجزیرات حکومتی را به رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلام دادند. امام ضرورت تشکیل این سازمان و تعیین حدود تجزیرات را چنین مرقوم داشتند «در این موقع که اکثریت قاطع متصدیان امر قضا واجد شرایط شرعیه قضاوت نیستند و از باب ضرورت اجازه به آنان داده شده است حق تعیین تجزیرات را بدون اجازه‌ی فقیه جامع‌الشرایط ندارند. بنابراین لازم است با تعیین هیاتی مرکب از جناب‌عالی... حدود تجزیرات را تعیین کنند» (امام، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۹). با وجود فضای باز سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب و وجود مجرمین در ابعاد مختلف، امام دستور به تشکیل دادگاه‌های خاص دادند از آن جمله ۱- دادگاه ویژه روحانیت؛ ۲- دادگاه امور صنفی؛ ۳- دادگاه ارتش؛ ۴- دادگاه ویژه شهدای؛ ۵- دادگاه انتظامی قضات؛ ۶- دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی.

جدول ۱: نگاهی جامع به تأسیس نهادها توسط امام(ره)

عنوان	اهداف	ضرورت
نهادها	بسیج مستضعفین	دفاع همه‌جانبه از انقلاب
	کمیتة امداد	عدالت اجتماعی
	شورای انقلاب اسلامی	تثبیت نظام
	سپاه پاسداران	حفظ امنیت
	دولت موقت	تشکیل جمهوری اسلامی
	جهاد سازندگی	محرومیت‌زدایی
	دادگاه اسلامی	قضاوت اسلامی
		رسیدگی به مسائل جامعه
	مجموع قوای انقلابی - جلوگیری از سقوط انقلاب	رسیدگی به مستمندان انقلابی
	سرعت عمل استراتژی	مقابله با توطئه دشمنان
	اداره امور مملکت	ساختن خرابی‌ها

امام(ره) و مدیریت نظام جمهوری اسلامی

ضرورت نقش مدیریت، در عرصه نظام‌های انقلابی بسیار حساس است. در این نظام‌ها، استمرار و استقرار حیات مستلزم مدیریت و مهار تهدیدها است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود بلکه دشمنان خارجی - داخلی نظام با هدف خاموش نمودن موتور پیروزی، با تمام توان دست به اقدامات جدی زد و تا حدی توانست در جامعه اسلامی ایران خلل ایجاد نماید. امام(ره) در مقابل بحران‌های متعدد سیاسی در عرصه داخلی - خارجی توانست با الگوی مدیریت اسلامی، کنترل و نظارت مستمر، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری آگاهانه و تصمیم‌گیری الهی - عقلانی در تمام ابعاد و مراحل مختلف، حکومت اسلامی را تشکیل دهد.

امام(ره) و مدیریت داخلی نظام اسلامی

تقابل با ضد انقلاب

بعد از پیروزی قیام در ۱۳۵۷/۱۲/۲۲، جریان‌ها و گروهک‌های مجاهدین و سایر گروه‌ها با برگزاری میتینگ‌های سیاسی، صدور پیام‌ها و نامه‌های متعدد برای مسائل کشور مانند قصاص... درصد تهییج افکار مردمی برآمدند تا با یک جنگ نرم، رهبری امام به‌عنوان رهبر نظام اسلامی را مخدوش کنند. اما اینان غافل از نوع رهبری امام یعنی حکومت بر قلوب مردم بودند و مردم ایران در طول ۱۵ سال مبارزه باز هم از ایشان به‌صورت مستمر و مداوم پشتیبانی می‌کنند (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۴۸-۱۵۰).

برقراری امنیت

آنچه ابعاد امنیت اجتماع و انسان را تهدید می‌کند در اندیشه سیاسی امام همان بی‌توجهی به امنیت فرهنگی - معنوی است. به یک اعتبار می‌توان گفت اگر امنیت در ابعاد سیاسی - اقتصادی فراهم شود ولی امنیت در معنویت و فرهنگ حیات اجتماعی جامعه فراهم نشود، جامعه به سوی ثبات و آرامش پیش

نمی‌رود. «در دنیای امروز، که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند در حالی که جوامع از انسان تشکیل شده است که دارای بُعد معنوی و روح عرفانی است و اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به ترتیب انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بُعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند» (امام، ۱۳۹۲، ج ۵: ۴۱۰).

امنیت سیاسی

«مسأله‌ی حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با این وصفی که در دنیا مشاهده می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز با آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال فعل در آن عقلاً منجز است» (امام، ۱۳۷۹، ج ۱۹: ۱۰۶).

امنیت فرهنگی - معنوی

هجوم علیه ارزش‌های دینی - انسانی در دستور کار مخالفین نظام و ابرقدرت‌ها برای ضربه زدن به نظام اسلامی قرار گرفت. تهاجم فرهنگی علیه نظام اسلامی در حوزه‌ی تربیتی و شکوفایی باعث دامن زدن به تشمت و آشفتگی رفتاری در جامعه می‌شود. (افتخاری، ۱۳۷۹: ۸۹-۹۰) امام با انسجام ساختاری در بین روحانیت و مراکز فرهنگی توانست رابطه‌ی دین و علم را به صورت چشمگیری افزایش دهد. «تمام مفاسد زیر سر فرهنگ است و ناامنی‌ها از آن جا پیدا می‌شود» (امام، ۱۳۷۹، ج ۵: ۳۱۹).

امنیت نظامی

اقتدار جمهوری اسلامی در اندیشه امام بر اساس مؤلفه‌هایی تقویت می‌شد. صیانت از امنیت کشور فرآیندی است که با شناخت ابعاد امنیت نظامی، تحلیل کانون‌های تهدید، شناسایی نقاط قوت و ضعف، ارزیابی اقدامات و سیاست‌گذاری واقعی در مسائل کشور، امکان‌پذیر است (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۷).

امنیت اقتصادی

امام با روش تیزبینی خود احساس می‌کرد که وابستگی اقتصادی می‌تواند ابزاری در دست بیگانگان باشد تا آنان بخواهند نیات خود که همان سست کردن پایه‌های نظام است را عملی کنند و خواسته‌های خود را بر ملت ایران تحمیل کنند. لذا ایشان از جامعه خواستند که در امر استقلال کشور بسیج شوند. «امام خمینی (ره) در این باره مردم را به ایجاد امید در جامعه و سعی و تلاش برای کسب خود اتکایی اقتصادی و کشاورزی توصیه می‌کردند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۱۷).

امنیت اجتماعی - روانی

امام با ویژگی‌هایی مانند فقاقت، مرجعیت نظام و سیاستمداری توانست با مؤلفه‌هایی همچون ساده‌زیستی، تعاون، دوری از رفاه‌طلبی، ساخت فرهنگی، آزادی اسلامی و خلاصه با تقویت مبانی انسان‌شناسی

اسلامی، کرامت انسانی را در جامعه یک ارزش قرار دهد و با الگوسازی زندگی پیامبران و ائمه (علیهم السلام) امنیت روانی را در جامعه جاری سازد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۸۰-۸۶).

ایجاد وحدت

در کشور نوپا انقلابی، جریان‌های مختلف در قالب ایدئولوژی انقلابی به صورت تجزیه‌طلبی، اعلام موجودیت کرده و هر کدام برای افکار خود طرفدارانی جذب می‌کنند و به صورت متشکل یا غیر سازمانی دست به اقدامات فرهنگی و نظامی می‌زنند. اما هنگامی که توطئه‌های داخلی- خارجی علیه انقلاب آشکار شد، همین اکثریت مردمی به حمایت و رهبری برخاستند که توانستند با وحدت و انسجام خود، راه نفوذ تبلیغات مسموم را بر علیه انقلاب مسدود کنند (کاظمی، ۱۳۹۲: ۵۲-۵۳).

تأکید بر اصل وحدت در داخل و خارج آن به حدی است که برخی آن را یکی از اصول عملی مدیریت نظام در سیاست می‌دانند. در این میان امام(ره) به عنوان نقطه عزمیت نظام توانست جامعه ایرانی را با هرگونه نژاد، فرهنگ،... دور محور ولایت فقیه جمع کند و اقتدار ملی را به صورت یک الگو به جامعه جهانی ارائه نماید. ایشان فهم سیاسی و انقلابی مردم را افزایش داده و با ایجاد روحیه ایثار، نظام را از بعضی قضایا محافظت نمودند. مهم‌ترین وحدت در ابعاد مختلف، دارای اهمیت متفاوتی است که عبارت است از وحدت ملی، وحدت نیروهای نظامی و وحدت دولت و مردم (امام، ۱۳۸۶: ۲۸۵-۳۷۷).

افزایش مشارکت سیاسی

در دنیای نظام‌های سیاسی معاصر، حضور سیاسی مردم از مهم‌ترین شاخص‌های فضیلت مدنی به‌شمار می‌رود و از ملزومات نظام‌های مردم‌سالاری محسوب می‌شود. لذا امام(ره) در مدیریت نظام سیاسی، ابزارهای مشارکتی را به خوبی مشخص کرده تا دستاوردهای آن از دستبرد ناهالان محفوظ بماند. - یکی از این ابزارهای مشارکتی همان رأی ملت است «این جا آراء ملت حکومت می‌کند» (امام، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۱۶۵).

- یکی دیگر از ابزارهای افزایش مشارکت، ارتباطات سیاسی آزاد در تصمیم‌گیرهای نظام است به تعبیر دیگر گسترش ارتباطات و مشارکت (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۹).

- یکی دیگر از این ابزار، تکلیف حضور مردمی در صحنه است «امروز دیگر همه ملت موظف است به وظیفه الهی که در صحنه گوشزد کنند و بحمدالله خود مردم حاضرند» (امام، ۱۳۷۹، ج ۱۵: ۴۱۶). رهبری امام در جامعه و پذیرش تصمیمات ایشان از سوی مردم و کارگزاران نظام بیش از همه مبتنی بر اقتدار شخصیت الهی- مردمی بود، در حالی که هیچ یک از مدیران سیاسی انقلاب‌های معاصر دارای چنین اقتداری نبودند (حسین‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

امام (ره) در مدیریت خارجی

ماهیت حکومت اسلامی ایران، اولین تجربه مدیریت حکومتی‌داری بر مبنای شعائر اسلامی پس از ۱۴ قرن در تمامی سطوح، باعث شکفته‌زدگی جامعه بشریت در جهان معاصر شد.

دفاع مقدس

تکنیک‌های مدیریتی امام در طول دفاع مقدس باعث حیات دوباره‌ی نظام جمهوری اسلامی شد و آن را از تهدید به فرصت تبدیل نمود. لذا با استفاده از میانی جهاد اسلام و الگوی مبارزات پیامبر و امیرالمومنین در انواع جنگ‌ها و جهاد در صدر اسلام توانستند فرآیند جنگ را از شرایط بحران‌زده سیاسی به اوج اقتدار تبدیل کند. لذا نقش امام به‌عنوان بنیانگذار نظام و فرماندهی کل قوا در شکل‌گیری این نقش‌ها بسیار مورد توجه است.

نقش جنگ در رشد نظام اسلامی: امام(ره) علت حمله عراق به ایران را ترس از اسلام می‌دانست که صدام به حمایت غرب برای مقابله با قیام اسلامی ایران و جلوگیری از ثبات جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی به ایران حمله کرده است. «اینکه جنگ برای به هم زدن این جمهوری اسلامی بوده است، حالا که می‌بینیم نمی‌شود این کار و ممکن است که جمهوری اسلامی رشد زیاد بکند و سایر کشورهای مسلمان هم بیدار بشوند حالا یک خطری است برای آمریکا، دیگر به نفع آمریکا نیست» (امام، ۱۳۷۹، ج ۱۶:۱۶۸).

افزایش انسجام ملی: «اتحاد و امنیت دو اصل اساسی در پایداری زندگی اجتماعی در روند تاریخ زندگی بشر است. همه‌ی جوامع به نوعی برای ایجاد انسجام و اتحاد اعضای کشورشان تلاش می‌کنند» (شیخی‌پور، ۱۳۹۲: ۶۰) یکی از ویژگی‌های مهم هشت سال جنگ، حضور هماهنگ مردم ایران در آن بود، که امام(ره) با استفاده از مکتب مبارزه‌ی اهل بیت و تحلیل قیام کربلا، توانست مشارکت تمام ملت را جذب کرد و وظایف هر کدام را به‌طور مستمر و مداوم تعیین کند و جهاد و شهادت‌طلبی را به‌عنوان بالاترین ارزش تقویت نمود.

«جنگ یک مسأله‌ای بود که انسان خیال می‌کرد که یک قائله‌ای است ... مهم، لکن معلوم شد که منافعی بیشتر از ضررهایش بود، آن انسجامی که در اثر جنگ، بین همه‌ی قشرها پیدا شد و آن معنای روحانی و معنوی‌ای که در خور سربازان عزیز ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به نمایش گذاشته شد و آن روح تعاونی که در همه‌ی ملت از زن و مرد در سرتاسر کشور پیدا کرد به دنیا فهماند که این مسأله‌ای که در ایران است با همه مسائل جدا است» (امام، ۱۳۷۹، ج ۱۶:۱۸).

افزایش اقتدار ملی: از تأثیرات جنگ در پرتوی ابتکار و نوآوری رزمندگان، همان تحول صنایع نظامی و دفاعی کشور بود. چرا که معاملات تسلیحاتی در دنیا، یک نوع وابستگی نظامی به قدرتمندان نظامی در جهان به‌وجود می‌آورد. در نتیجه جوانان متعهد برای کم کردن فشارهای نظامی خارجی و به‌دست گرفتن

تمام مدیریت تحولات شگرفی در صنایع دفاع به‌وجود آوردند و باعث به نمایش گذاشتن اقتدار ملی در صحنه سیاسی نظامی شدند.

افزایش اقتدار بین‌المللی: امام بر اساس قاعده‌ی «نفی سییل» در طول جنگ تحمیلی، شعار «نه شرقی و نه غربی» را مطرح نمود و به تمام قدرت‌های استکباری خصوصاً آمریکا پاسخ منفی دادند. در واقع اعتلای اسلام در سیاست‌های نظام جهانی باعث عزت و استقلال نظام ایران شد و این موضوع در جنگ نابرابر ایران و عراق به اثبات رسید. این دفاع مقدس در طول هشت سال ثابت کرده نه شرقی و نه غربی «عظیم‌ترین نیروی آزادی‌بخش در عصر چپ‌اولگری و سلطه به‌شمار می‌آید (شیخی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۱).

حقوق بشر

نهال انقلاب پس از سال‌ها مبارزه پیگیر در عرصه‌های مختلف، با بهای شهادت و معلولیت هزاران نفر، توانست ریشه‌های خود را در میان نظام‌های بین‌المللی محکم کند. این نهضت عظیم با قاطعیت رهبری موفق شد تمام محاسبات و مناسبات امپریالیستی را در هم بکوبد و طلیعه‌ی حکومت اسلامی را بر ویرانه‌های نظام طاغوتی بنا نماید. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، جوامع بین‌المللی، تشکیل مجالس و کنفرانس‌های متعدد و همچنین انتشار بیانیه‌ها قصد داشتند حقیقت اسلام و جمهوری اسلامی را در زمینه اجرای محدود و قوانین اسلامی مخدوش کنند و با زیر سؤال بردن دیانت اسلامی به سلب حقوق نظام اسلامی در مجامع بین‌المللی پردازند (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۶۱۰-۶۱۱).

امام توانست دست‌آویز دولت آمریکا در برابر جمهوری اسلامی یعنی اتهام نقض حقوق بشر از طرف نظام جمهوری اسلامی را با اراده‌ی مردم از بین ببرد و به جهانیان چهره‌ی دوستانه اسلام که همان رعایت حقوق انسانی و حقوق متقابل در روابط بین‌المللی است نشان بدهد و نقشه‌های غرب را به توهم تبدیل کند. ایشان اعلامیه‌ها و بیانیه‌های حقوق بشر را بهانه‌ای برای دشمنان معرفی کرد و اصل روابط متقابل را «ظلم‌ستیزی» بیان نمودند (التیام‌خو، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۲).

«سازمان‌های به اصطلاح «حقوق بشر» و «شورای امنیت» و «عفو بین‌المللی» و دیگران هم خود را صرف محکوم نمودن اسلام و ایران نموده‌اند. در میان صلح‌طلبی و انسان‌دوستی با تمام توان سعی در افروختن آتش فتنه و جنگ در همه جا به خصوص در ایران می‌نمایند و با اسلحه‌های کشنده و بمب‌های آتش‌زا و شیمیایی به دشمنان اسلام کمک‌های بی‌دریغ می‌کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸: ۴۶۹).

تهاجم فرهنگی

«تهاجم فرهنگی، یعنی تهی کردن جامعه از فرهنگ خودی و جایگزینی فرهنگ مورد نظر دشمن» (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۱: ۱۸۶). استحاله و تهاجم دو طریق برای نفوذ در فرهنگ جوامع است که می‌تواند شاخص‌های هویت یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. غنی‌سازی فرهنگ و اندیشه‌ورزی مذهب شیعه در پیرامون ابتکارات و خلاقیت‌ها علمی- رسانه‌ای در طول مدیریت امام(ره) موجب شد ضعف‌های فکری ملت ایران تا حدودی برطرف شود. گفتمان فرهنگی، تبادل اندیشه فرهنگی، تأثیرگذاری فرهنگ اسلامی

احیاء ارزش‌های دینی - ملی، پالایش فرهنگی همه از راهکارهایی بود که امام برای افزایش استقلال فرهنگی جامعه‌ی ملت ایران اتخاذ کرده بود. ایشان با هدف صدور ارزش‌های فرهنگی انقلاب به دیگر جوامع بشری سعی داشت که بر اساس روش‌هایی با عناصر فرهنگی غرب که در سایر جوامع رخنه کرده بود، مبارزه کند و آنها را از بین ببرد (قادری، ۱۳۹۵: ۳۲۱).

روش‌های مبارزاتی امام در این باره عبارت بودند از:

- اصلاح کانون‌های آموزشی
- تربیت افراد با ایمان در پرتو اسلام
- پیوند حوزه با مراکز آموزشی
- ترویج فرهنگ اسلام در رسانه و ابزار ارتباطی

تحریم‌ها

بازتاب انقلاب اسلامی در عرصه‌های جهانی تا حدود زیادی، آمریکا و هم‌پیمانانش را دچار سردرگمی و مشکل نمود. چنانچه مشاور وقت کاخ سفید «کری سیک» در کتاب خود می‌نویسد «از هنگام سقوط شهر سایگون هیچ واقعه‌ای به اندازه‌ی انقلاب ایران، آمریکا را تحت تأثیر قرار نداده بود» (علیخانی، ۱۳۸۴: ۱). لذا در دهه‌های گذشته تحریم اقتصادی و مهار صادرات جزء لاینفک سیاستگذاری آمریکا قرار گرفت و در زمان کلینتون به یک الگو جدیدی تبدیل شد. بر این اساس کنگره آمریکا با تصویب مقررات جدیدی دولت وقت را وادار کرد که بی‌سابقه‌ترین و سخت‌ترین نوع تحریم را علیه ایران به کار ببندد. به تعبیر دیگر آمریکا برای مجازات ایران در صحنه‌ی بین‌المللی دست به اقدامات اقتصادی و تحریم‌های یک‌جانبه زد.

در شرایط جنگ، تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری برای به چالش کشیدن نظام اسلامی و هنجارهای انقلابی، مورد استفاده‌ی قدرت‌های سلطه‌گر از قبیل اسرائیل و آمریکا قرار گرفت. فشار آمریکا به شورای امنیت برای تصویب و صدور قطعنامه‌هایی برای تحریم گسترده در ابعاد اقتصادی، هسته‌ای و نظامی باعث شد تجارت جهانی برای معامله و صادرات با ایران دچار مشکل بشود. در نتیجه انحصار اقتصادی یکی از تهدیدهای سخت‌افزاری بود که توانست نظام جمهوری اسلامی را وارد مرحله‌ی جدیدی کند و به دنبال آن متغیرهای جدیدی از امنیت، قدرت نظامی... ایران را تحت شعاع قرار دهد. اندیشه علمی - اقتصادی امام (ره) از یک طرف و سازوکارهای عملی ایشان در قبال خودکفایی اقتصادی از سوی دیگر باعث شکست یک سیاست آمریکا در عرصه بین‌المللی شد. امام با افزایش اعتماد به نفس در میان جوانان، قدرت ملت ایران را در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها بالا برد و باعث شکست قدرت پوشالی آنان شد» (امام، ۱۳۷۹، ج ۹: ۱۰۴).

نتیجه‌گیری

در فرآیند انقلاب، نقش رهبری اعم از ایدئولوگ، بسیج‌گر و بنیان‌گذار به صورت گسترده ظاهر می‌شود. در این میان نقش بنیانگذار در انقلاب بسیار برجسته است، چرا که بعد از پیروزی قدرت در دست نیروهای انقلابی قرار می‌گیرد و آنان بر اساس اهداف خود عمل می‌کنند. در انقلاب اسلامی نیز امام(ره) در مراحل مختلف انقلاب در هر سه نقش رهبری نظریه‌پردازی، بسیج‌گری و بنیانگذاری ظهور کرده و ایفای نقش کردند. با توجه به نقش جامع و بنیانگذاری، ایشان با اقتدار کامل بر اساس نظریه حکومتی خود ساختارهای جدید جامعه را بر اساس شعارهای اسلامی - انقلابی تأسیس کردند و سپس با مدیریت سیاسی خود در مسائل داخلی و خارجی، زمینه‌های تشکیل و تداوم انقلاب اسلامی را فراهم نمودند.

این تحقیق به دنبال بررسی نقش بنیانگذاری امام(ره) در فرآیند انقلاب اسلامی و پایه‌گذاری نظام جمهوری اسلامی، به این نتیجه رسید که این نقش بسیار مهم و متفاوت بود. امام(ره) در شرایط بحرانی ابتدایی، با مدیریت انقلاب - عقلانی دست به تأسیس نهادهای جدید و انقلابی زد و ابتکار عمل را به افراد متعهد و با ایمان بخشید. بسیج مستضعفین را به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب و حفظ تمامیت ارضی کشور تأسیس و از تمام مردم و ارکان دولتی خواست از این بسیج بیست میلیون حمایت کنند؛ یکی از ابتکارات امام(ره) تأسیس شورای انقلاب اسلامی، در زمانی که هنوز دولت پهلوی کاملاً از بین نرفته و این نشان از قاطعیت و سرعت عمل ایشان برای تشکیل نظام اسلامی بود. نهاد پاسداران به‌عنوان یک سازمان نظامی در پرتوی دستورات امام تشکیل شد. سپس تأسیس کمیته امداد را برای کمک به مستضعفان و مردم که دچار محرومیت شده‌اند را اولویت قرار داد.

امام با تشکیل دولت موقت توانستند رسمیت نظام اسلامی را به جهانیان اعلام کنند و با تشکیل سایر نهادها مانند جهاد سازندگی، دادگاه انقلاب اسلامی نیز ارکان دولت را پایه‌ریزی نمایند و بهترین نظام را در نظام‌های سیاسی جهان به نمایش بگذارند. امام در مدیریت نظام جمهوری اسلامی بر اساس تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و خلاصه هدایت و رهبری داخلی - خارجی وارد عمل شد. ابتدا با ضد انقلاب داخلی که به پشتوانه بیگانه‌ها در صدد تضعیف نظام بودند، مدارا نمود ولی بعد به صورت آشکارا به نفی آنها پرداخت. در برقراری امنیت سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و روانی با پشتوانه مردم و افراد متعهد بزرگ‌ترین کشور امن خاورمیانه را ترسیم نمود و با ایجاد وحدت در تمام طبقات جامعه آنان را به یک‌دیده واحد تبدیل کرد. این مدیریت امام در افزایش مشارکت سیاسی مردم اوج گرفت و باعث ناامیدی بیگانگان از انقلاب ایران شد.

جنگ آخرین ابزار دشمن برای به زانو درآوردن انقلاب بود لیکن امام با هدایت جنگ باعث تثبیت نظام، افزایش انسجام ملی و اقتدار ملی در این مدت شد و با افزایش توان دفاعی ایران، اقتدار جهانی انقلاب را به دنیا نشان داد. دشمن از انقلاب و رهبری امام مأیوس شده بود، متوسل به تهاجم فرهنگی، تحریم‌ها و نقش حقوق بشر شد تا بتواند پایه‌های نظام را فروپاشد ولی امام با اقتدار موانع را از پیش پای نظام نوپا برداشته و پرچم جمهوری اسلامی را بر آسمان ایران اسلامی برافراشت.

منابع

- احمدی، حسین؛ جوان، مصطفی (۱۳۸۹)، «رهبری امام خمینی(ره) در فرآیند انقلاب اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۴۶.
- اسکندری، وحید (۱۳۸۹)، جریان‌شناسی سیاسی اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در ایران پس از انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، *انتظام ملی، جامعه‌شناسی سیاسی نظم از دیدگاه امام خمینی*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول.
- باتامور، تی.بی (۱۳۸۲)، *نخبگان و جامعه*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر شیرازه.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۲)، *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهری، چاپ ۵.
- بنیاد فرهنگی شهید بهشتی (۱۳۷۸)، *اسطوره‌ای بر جاودانگی*، تهران: بی‌نا.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۲)، *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند، پیامدها*، تهران: انتشارات سمت، چاپ ۱.
- تبیان، دفتر ۳۲ (۱۳۸۶)، *احزاب و گروه‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام(ره). چاپ ۳.
- تبیان، دفتر ۳۸ (۱۳۸۵)، *امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام، چاپ ۱.
- تبیان، دفتر ۳۳ (۱۳۸۳)، *سپاه پاسداران در اندیشه امام(ره)*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام، چاپ ۱.
- التیمخو، کوروش (۱۳۹۲)، *مقایسه ابعاد رهبری در انقلاب اسلامی ایران، انقلاب روسیه و انقلاب چین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- حسین‌زاده، ابوالحسن (۱۳۹۰)، *مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی(ره)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع). چاپ ۱.
- شیخی، معصومه (۱۳۹۲)، *مدل انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- شیخی‌پور، قاسم (۱۳۹۲)، *نقش دفاع مقدس در تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- علیخانی، حسین (۱۳۸۴)، *تحریم ایران شکست یک سیاست*، ترجمه محمد تقی‌نژاد، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ ۲.
- عیوضی، رحیم و هراتی، جواد (۱۳۹۱)، *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: نشر معارف، چاپ ۲۴.
- قادری، سیدعلی (۱۳۹۵)، *امام خمینی(ره) در پنج حوزه معرفت سیاسی، الگوی شاخص برای نسل امروز*، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مرکزی بزرگداشت امام(ره).
- کاظمی، احمد (۱۳۹۲)، *بحران‌سازی آمریکا در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- کشاورز شکر، عباس؛ زاهد، غفاری (۱۳۹۱)، «ماهیت رهبری امام خمینی در نظریه علامه شهید مطهری»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۹.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۴)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، *انقلاب اسلامی (زمینه‌ها و پیامدها)*، قم: نشر معارف، چاپ ۱.

- موسوی خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۸)، وصیت‌نامه امام خمینی(ره)، تهران: نشر آثار امام(ره).
- موسوی خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۹)، صحیفه امام، تهران: نشر آثار امام(ره).
- موسوی خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۹۲)، صحیفه امام، تهران: نشر آثار امام(ره).
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲)، اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی(ماجد)، چاپ ۱.
- هافر، اریک (۱۳۷۲)، پیرو راستین، ترجمه فیروزه خلعت‌بری، تهران: نشر شباویز.
- هیرو، دیلیپ (۱۳۸۶)، ایران در حکومت روحانیون، ترجمه: محمدجواد یعقوبی دارابی، تهران: انتشارات باز، چاپ ۱.